عدم قصد در صبی و نفی معاملهٔ صبی

پس بحث ما در اینجا این است که هوش مصنوعی میخواهد خودش فردی از عقد را بدون اینکه مالک خبر داشته باشد، قصد کند. ای اگر خودش مالک است، بدون اینکه ربطی به مالک بودنش داشته باشد، میخواهد انشاء عقد بیع کند. انشاء عقد بیع، ربطی به مالک بودن ندارد. ما عام و خاص من وجه داریم: گاهی مالک است، اما صلاحیت انشاء عقد بیع را ندارد - مثل صبی، مثل محجور، مثل سفیه - که عقلاء، ملکیت را برای او اعتبار میکنند، اما صلاحیت او را برای ایجاد یک فردی از معاملهٔ اعتبار نمیکنند ولو کلی عقد بیع را انشاء کرده باشند و عقد بیع سبب هست، درست است، اما میگویند تو چون صبی هستی، صلاحیت نداری. پس اگر بانک را اعتبار کردیم، عقلاء هرگز نمیگویند آقای بانک تو صلاحیت داری که خودت انشاء عقد کنی. اینکه معنا ندارد. اما وقتی عقلاء با هوش مصنوعی روبهرو میشوند میبینند این، کار انجام میدهد. یعنی الآن معاملات را اجراء میکند و بعد میبینید ده معاملهٔ انجام شده است و پول شما ای بال رفته و ای پایین آمده و ضرر کردهاید. میتواند وکیل شما بشود. ما فقط نمیخواهیم هوش مصنوعی مالک باشد. میخواهیم بگوییم میتواند انشاء عقد بکند. اتفاقاً بحث اصلی ما هم که در جلسات قبل گفتم، نمیخواستم بگویم هوش مصنوعی از طرف خودش که مالک است، مال خودش را بفروشد. آن یک فضای دیگری است. مهمترین بحث ما این است که میتواند متولی انشاء عقد بیع بشود یا نه. این با مالک بودنش عام و خاص من وجه است. مالکی هست که نمیتواند متولی بشود. کسی هست که مالک نیست، ولی میتواند متولی بشود. یکی، هم مالک است و هم متولی است. در هوش مصنوعی صحبت سر این است که میتواند متولی باشد یا نه. اگر مالک است و میتواند متولی هم باشد، فبها. اگر وقتی مالک نیست، آیا میتواند وکالتاً از طرف سایر انسانها متولی انشاء عقد شود یا نه؟ اینجا است که سؤال ما مطرح میشود که او دارد انشاء عقد میکند. آن وقت شما میگویید انشاء عقد بکند و عرف عقلاء میگویند این عقد است؟ ما میگوییم کسی که میخواهد انشاء عقد کند باید قاصد و بالغ باشد. چطور از این شرطی که برای منشئ عقد میآوریم، صرفنظر کنیم؟! به صرف اینکه عقلاء میگویند کافی است؟!

شاگرد۳: اگر در طرف مقابل یک انسان باشد، غرض ما حاصل نمیشود؟ یعنی انسان انشاء میکند... .

استاد: او باید قبول بگوید.

شاگرد۳: یعنی بگوییم در قبول، قصد نیاز نباشد. یعنی وقتی انشاء از یک طرف بود و عقلاء قبول کردند، همان میتواند جایگزین قبول باشد.

استاد: اگر در فضای فقه این را بپذیرید، خب فرق عقد و ایقاع چیست؟ ایقاع این است که یک طرف میگوید و طرف مقابل هم اعتراضی ندارد، مثل جعاله.

شاگرد۳: برای قبول، بدیل آوردیم. یعنی همین که غرض انشاء با یک طرف که انسان است حاصل میشود، آن طرفش را هم عقلاء اعتبار میکنند که اگر یک طرف انسان بود، کفایت میکند.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 16:53:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:51:12 توسط ... .